

▼ سوء ظن امنیتی در ابعاد بین‌المللی

هشدار به امنیتی کردن نهاد دانشگاه در جریان موج گسترده اخراج اساتید در پی اتفاقات سال ۱۴۰۱ نیز بسیار مطرح شد. ابراهیم بای‌سلامی، جامعه‌شناس در این رابطه گفته بود: «عمده اساتیدی که اخراج شده‌اند دارای رتبه‌های عالی و ممتاز علمی و پژوهشی در سطوح ملی و بین‌المللی هستند و به‌دلایل سیاسی اخراج شده‌اند، این افراد یا سخنرانی کرده‌اند یا بیانیه امضا کرده‌اند یا در جلسهای اظهارنظر سیاسی و فرهنگی مغایر و مخالف جناح حاکم داشته‌اند. از دیدگاه گزینش و با رویکرد نهادهای امنیتی کنونی اسنادانی که درباره مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه‌نظر دارند و همسوبا سلیقه‌مقامات نیستند، افراد خطرناکی محسوب می‌شوند و گمان می‌کنند محیط دانشگاه با حضور این طیف از استادان در جهت مطالبه‌گری فعال می‌شود.»

نگرانی‌های امنیتی و مسدود شدن راه تبادلات بین‌المللی تنها به اساتید ایرانی محدود نمی‌شود. در ایران حتی تعاملات بین‌المللی با اساتیدی که از خارج و برای شرکت در رویدادهای علمی به ایران سفر می‌کنند به دلایل امنیتی با چالش مواجه است. سال گذشته در جریان برگزاری یک همایش دانشگاه علامه طباطبایی با عنوان «نخستین گفت‌وگوی دانشگاهی میان اندیشمندان منطقه فرهنگی نوروژ و جهان ابرو- آمریکایی» میان پژوهشگران حوزه نوروژ و جهان، وزرای یکی از اساتید به نام پروفسور کاماچو به دلیل آنچه عبور وی از اراضی اسرائیل در جریان یک سفر اعلام شد صادر نگردید. احسان دستغیب در یادداشتی در واکنش به این اتفاق آن را اقدامی محافظه‌کارانه دانست که مانع از بهره‌برداری کامل از این فرصت‌های نادر می‌شوند. اساتید دانشگاه و کارشناسان چنین رویکردهایی را بخشی از فرایند خالص‌سازی دانشگاه‌ها می‌دانند که با تنگ کردن حلقه فشار بر اساتید، در تلاش برای جایگزین کردن افراد خاص هستند. علی محمد حاضری، عضو انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها در گفت‌وگویی در جریان شدت گرفتن موج اخراج اساتید دانشگاه پس از اتفاقات سال ۱۴۰۱ گفته بود این اخراج‌ها از الگوی خالص‌سازی در دیگر ارکان حکومت پیروی می‌کند. وی در توضیح چرایی این موضوع اینگونه گفت: «بنایشان بر این است که نیروهای غیرخالص از دید خودشان را که به عنوان مزاحم می‌شناسند، حذف کرده و بر نیروهای خالص بیافزایند. در این مسیر جذب و وارد کردن طیف وسیعی از کسانی که به عنوان نیروی خودی می‌شناسند در دستور کار است.» وی پیامد این‌ کار را تضعیف نظام دانشگاهی از نظر علمی و موج مهاجرت نخبگان مطرح کرد.

▼ دانشگاه‌ایزوله

از دست‌رفتن جایگاه علمی و ارتباطات علمی با دانشگاه‌های جهان بیرونی‌ترین نتیجه‌ای است که در پی اتخاذ رویکردهای امنیتی در دانشگاه‌ها و ایزوله شدن ارتباطات علمی با جهان ایجاد می‌شود. در سال میلادی جاری، رتبه دانشگاه‌های ایران از کشورهای عربستان و ترکیه نیز پایین‌تر رفته و تنها شش دانشگاه علوم پزشکی تهران، تربیت مدرس، علوم پزشکی شهید بهشتی، شریف و علوم پزشکی ایران در میان هزار دانشگاه برتر جهان قرار گرفتند. روند نزولی جایگاه دانشگاه‌های ایران از سال ۲۰۱۹ به صورت چشمگیری آغاز شده است. به اعتقاد اساتید دانشگاه سلب استقلال دانشگاه‌ها در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و علمی مهمترین دلیل این کاهش است.

رویکرد دولت در توجه به فضای دانشگاه و پیامدهای امنیتی شدن دانشگاه، گام نخست برای اصلاحات است. اما بازگشت به مسیر تعامل علمی با جهان، به گونه‌ای که نه استاد داخلی و نه اساتید خارجی نگران بر خوردهای امنیتی نباشند، نیازمند تغییرات اساسی در ساختارهای تصمیم‌گیری است تا فضای دانشگاه از حالت امنیتی خارج شود و اساتید بتوانند روابط سازنده‌ی بین‌المللی داشته باشند و در پی تبادل اطلاعات، فضای رشد دانشگاه‌ها فراهم شود.

مرو می‌بینید پذیرش مدارک ایرانیان در دیگر کشورها نیز دچار مشکل خواهد شد.

❖ چرا این تمایل وجود دارد که با اتهام امنیتی و جاسوسی اساتید دانشگاه را کنار بگذارند؟

زمانی بود که هر کسی به جرم سیاسی بازداشت می‌شد یک انگ امنیتی و جاسوسی نیز به وی تلقی می‌گرفت. این کار را می‌کردند که فرد با این اتهام سنگین دیگر نتواند فعالیت خود را در محیط دانشگاهی که می‌تواند محیطی تاثیرگذار باشد ادامه دهد. از آنجایی که افراد هم از قدرت کافی برخوردار نیستند و یا ایستادگی نمی‌کنند، با اولین اتهام، صحنه را خالی می‌کنند.

❖ این مسئله چقدر منجر به فرار مغزها از کشور شده است؟

یک آدم هوشمند و دارای عقلانیت می‌فهمد که چنین فضایی برای وی مناسب نیست. شما همین حالا وقتی به مراکز بهداشتی و درمانی بروید متوجه تپهی شدن فضاها از نخبگان می‌شوید و این فضا در دانشگاه‌ها نیز وجود دارد.

❖ این اقدامات چقدر منجر به عقب‌افتادگی فضای علمی کشور از رقابت‌های جهانی شده است و در کدام دوران چنین رویکردی پررنگ‌تر شد؟

ما تا پایان دوره اصلاحات آقای خاتمی در حوزه پزشکی پیشرفت چشمگیری داشتیم، در اختراعات و اکتشافات نیز همینطور و همین‌ها نیز زمینه‌ساز دیده شدن ما شده بود و رقبای خارجی از ایران و پیشرفت‌های آن می‌ترسیدند. اما بعد از آن ترتیبی دادند که همه اینها سیر نزولی پیدا کند. اقداماتی که در ۱۶ سال ریاست آقایان خاتمی و رفستجانی انجام شد و حتی در دوره جنگ هم انجام شد، تا کشور را از خارج بی‌نیاز کنند، با روی کار آمدن احمدی‌نژاد به قهقرا رفت. در نهایت ما از سال ۸۴ به بعد سیر نزولی را می‌پیماییم و همه این شرایط براساس تفسیرهای غیرواقعی است که ایجاد کردند. زمانی که درهای ورود علم به کشور بسته باشد، امکان پیشرفت از کشور سلب می‌شود و همین مسئله اقتدار کشور را هم دچار خدشه می‌کند. مسئله علمی هم اینگونه نیست که بگوییم خودمان تولید می‌کنیم و ما برای پیشرفت به تبادل داده و اطلاعات نیاز داریم.



رحیم ابوالحسنی استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران:

اتهام جاسوسی بی اساس به اساتید دانشگاه از سوی انحصارطلبان وارد می‌شود

درپی سخنان محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهوری درباره مانع‌سازی برای فعالیت اساتید و همکاری با نهادهای بین‌المللی، رحیم ابوالحسنی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با هم‌میهن گفت: «با گذشت زمان انحصارطلبان با ششیوه وارد کردن اتهامات جاسوسی به دنبال کنارزدن نیروهای علمی کشور بودند». متن این گفت‌وگو در ادامه می‌آید.

❖ اخیراً آقای عارف با اعلام اینکه تقریباً رابطه علمی کشور با نهادهای علمی بین‌المللی قطع شده است از ذهنیت بسته‌ای که موافق حضور اساتید دانشگاه در کنفرانس‌های خارجی نیست و اساتید شرکت‌کننده در کنفرانس‌های داخلی را جاسوس می‌داند، انتقاد کرد. شما به عنوان یک استاد دانشگاه و با توجه به حضورتان در دانشگاه اتهامات جاسوسی و امنیتی به اساتید دانشگاه از چه زمانی بیشتر شد و چرا فضای سیاسی ایران به این راحتی می‌پذیرد که یک استاد دانشگاه جاسوس است؟ نگاه بدبینانه به اعضای هیئت علمی از سال‌های نخست انقلاب ایجاد شد؛ زمانی که انقلاب فرهنگی رخ داد و فرایند تصفیه اساتید آغاز شد. در واقع در آن زمان اتهام جاسوسی چندان رواج نداشت. پس از وقوع انقلاب فرهنگی در سال ۵۹ که منجر به تعطیلی دانشگاه شد، و سپس با بازگشایی مجدد دانشگاه پس از طی یک بازه سه‌ساله، با توجه به اتفاقاتی که در آن ایام رخ داد، بسیاری از اساتید پس از انقلاب فرهنگی اخراج شدند و این روالی طبیعی شد. اما کم‌کم با پدیده جریان اسلام‌گرایی رادیکال در دانشگاه روبه‌رو شدیم. البته این پدیده تا زمانی که کشور دچار جنگ بود چندان نمودی نداشت، اما بعد از پایان جنگ شدت گرفت. حتی کاری کردند که رزمندگانی که از جبهه بازگشته بودند را هم وارد این ماجرا کردند و برخورد با اساتید غیرخودی تشدید شد. در آن زمان اصل بر برخورد با اساتید مخالف بود، اما برای اینکه مجوز برخورد وجود داشته باشد، علاوه بر اتهاماتی همچون غرب‌گرایی و اعتقادات فراماسونری و عقاید چپ، کم‌کم بحث وابستگی به دولت‌های بیگانه و جاسوسی نیز مطرح شد. این مسئله در دهه هفتاد هم بود اما در دهه هشتاد تشدید شد. به‌میزانی که تعارضات سیاسی در جامعه زیادت می‌شد، بین جریان خط امام و نیروهای دیگر و بعد از آن تشدید شکاف میان جریان اصلاح‌طلب و اصولگرا و افزایش تعارضات، به‌موازات اینها تعارضات با اساتید نیز بیشتر می‌شد و در همین جریان‌ها بود که شاهد اخراج آقای دکتر جواد طباطبایی و دکتر روشن‌دل از دانشکده حقوق بودیم، در دانشگاه‌های دیگر نیز این اقدام انجام می‌شد. اما اصل دعوا میان اسلام رادیکال بود که در دانشگاه شکل گرفته بود و کسانی را که کمتر تعلقات دینی داشتند، راحت‌تر دم تیغ می‌پرند. البته که من معتقدم اینها حامیان اسلام رادیکال هم نبودند، افرادی ناآگاه و خائن بودند که به نام اسلام چنین اقداماتی را انجام می‌دادند و اتهامات جاسوسی به اساتید دانشگاه را بیشتر کردند. در سطح کشور شاهدیم که اینها برای آنکه قیای خود را حذف کنند اتهام جاسوسی و پول گرفتن از بیگانگان را مطرح می‌کنند. حتی به آقای خاتمی هم این اتهام را زدند و ملاقات با جورج سوروس را به یک اتهام جاسوسی تبدیل کردند. از آن طرف در روزنامه کیهان

نیز که هرگونه اتهام‌زنی در آن مجاز است، شروع کرد به وارد کردن چنین اتهاماتی و به تدریج دعواهای بیرون وارد محیط دانشگاه شد. اتهامات امنیتی و جاسوسی را نیز به اساتیدی وارد کردند که رفت و آمد خارجی داشتند و تعاملات علمی آنها با دانشگاه‌های جهان بیشتر بود. بنابراین دهه

هفتاد این اتهام‌زنی‌ها شروع شد و

در دهه هشتاد و نود به اوج خود رسید. در دهه هشتاد شاهد اخراج آقای دکتر بشیریه و برخی اساتید دیگر بودیم که دکتر همتی هشت سال در کردستان رزمنده بود، اما در یک رقابت سیاسی ایشان را نیز حذف کردند. طبیعتاً این قضیه‌ای در سطح ملی بود و مواردی که اشاره کردم صرفاً مواردی در دانشکده‌ای بود که خودم حضور داشتم.

❖ چرا زدن این دست اتهامات سیاسی به اساتید دانشگاه



دوشنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۴

سال چهارم. شماره ۹۲۲

www.hammihanonline.ir

شدت گرفت؟

علت این موضوع رقابت سیاسی و جنگ قدرت است. در واقع افرادی که می‌خواهند انحصارطلبی و انحصارگرایی کنند به این شیوه‌های کنار زدن نیروهای علمی روی می‌آورند. البته از نظر من بیشتر به این دلیل چنین اتهاماتی وارد شد که این اساتید مسیری را پیگیری می‌کردند که سایر اساتید در دانشگاه‌های جهان آن را می‌روند.

❖ فضای سیاسی ایران چرا آنقدر راحت می‌پذیرد که اساتید دانشگاه جاسوس هستند؟

از نظر من فضای سیاسی این رویکرد را نمی‌پذیرد، بلکه مسئله دیگری منجر به این می‌شود که چنین اتفاقاتی به راحتی رخ دهد. یک گروهی در کشور پس از فوت امام شروع به تصرف قدرت کردند. احزاب و طبقه متوسط هم که به مقابله با این نیروها می‌پردازند را از بین برند، چراکه اینها گروه‌ها و جریان‌هایی هستند که به مقابله می‌پردازند، احزاب را که متغعل و بی‌قدرت کردند و طبقه متوسط نیز نابود شد و حالا جامعه می‌خواهد چکار کند؟ توده مردم که نمی‌توانند کاری کنند، باید نخبگان متشکل کاری کنند که یا در احزاب گردهم می‌آیند و یا در اتحادیه‌های صنفی، زمانی که اینها را نابود کنند دیگر کسی نمی‌ماند که مطالبه‌گری کند. جامعه ما این فرایندهای حذفی و اتهام‌زنی را نمی‌پذیرد، چراکه اگر می‌پذیرفت اینگونه شاهد کاهش مشارکت در انتخابات نبودیم. میزان مشارکت زمانی که به زیر ۴۰ درصد می‌رسد و در تهران به کمتر از ۱۰ درصد رسید، یعنی جامعه نیز پذیرفته است، اما چه کاری از دست جامعه برمی‌آید؟

❖ این رویکرد در حذف سیاسی اساتید و وارد کردن اتهامات جاسوسی چقدر منجر به فرار مغزها از کشور شده است و چه میزان جلوی ورود و یا بازگشت نیروهای علمی - که در خارج از کشور تحصیلات خود را به پایان رساندند - به کشور را گرفته است؟

فرار مغزها دو ریشه دارد؛ یک ریشه عدم به کارگیری متخصصین در دستگاه‌های اجرایی و مدیریتی به‌ویژه در حوزه علوم انسانی است. استاد دانشگاه زمانی که می‌بیند علم ارزش ندارد و به آنها قدرت نمی‌دهند، طبیعتاً مهاجرت را ترجیح می‌دهد. مسئله ریشه دوم اتهامات امنیتی است. کشور را در حال حاضر غیرمتخصصین اداره می‌کنند و به علم به‌ویژه در حوزه‌های علوم اجتماعی و علوم انسانی بهایی داده نمی‌شود. کسی که اقتصاد خوانده‌اند باید بتوانند در پست‌های اقتصادی فعالیت کنند، کسی که مدیریت خوانده باید بتوانند در پست‌های مدیریتی حضور یابد و الی آخر. اما زمانی که تخصص نابود شد و کشور از دست متخصصین گرفته شد، طبیعتاً آدم‌های نخبه ترجیح می‌دهند جایی بروند که از علم و دانش آنها استفاده می‌شود. علت عمده مهاجرت در واقع این است، فضای اقتصادی را نیز باید به این مورد اضافه کرد و بحث امنیتی و جاسوسی چندان به مسئله مهاجرت ارتباط زیادی ندارد.

❖ اتهامات امنیتی که به اساتید دانشگاه وارد می‌شود چقدر روند ارتقای علمی کشور را دچار اختلال کرده است؟

صددرصد منجر به اختلال در این روند شده است. زمانی که این ارزش در کشور وجود نداشته باشد و دانش روز دنیا قابل تبادل در کشور نباشد، طبیعتاً رشد علمی هم نمی‌توان برای کشور متصور شد. لذا می‌بینید که در این کشور اقتصاد را کشتند، علوم انسانی را کشتند، مدیریت را کشتند و وقتی بهایی به تولید علم داده نشود، در نتیجه خواهد مرد. تولید علم منوط به کاربرد آن است که در صحنه تجربه بتواند خود را بیازماید و خطاهای خود را تصحیح کند. زمانی که تحصیلات علوم اجتماعی و انسانی ارزشی نداشته باشد، سرمایه اجتماعی نابود می‌شود، از آن طرف نیز اداره کشور به دست نظامی‌ها و غیرمتخصصانی افتاد که توان اداره کشور را ندارند و کشور در یک دور معیوب قرار می‌گیرد.

❖ آیا به نظر شما این موارد برای برخورد با اساتید نسبت به قبل بیشتر یا کمتر است؟

هر زمانی که دعواهای سیاسی و جناحی میان بازیگردانان قدرت بیشتر می‌شود، این اتهامات بیشتر می‌شود و هر زمانی که این دعوها کمتر شد، اتهام‌زنی به اساتید دانشگاه با منشأ جاسوسی و امنیتی نیز کاهش یافته‌است.

سیاستمداران



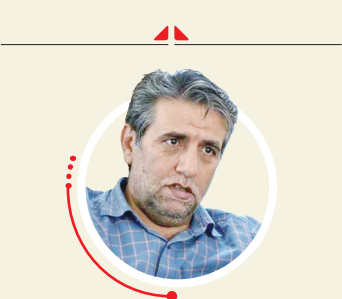
پیام تسلیت عارف و سروش به تاج‌زاده

در ادامه صدور پیام تسلیت‌ها به‌مناسبت درگذشت برادر سیدمصطفی تاج‌زاده، روز گذشته پیام‌های دیگری نیز صادر شد. محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور در بخشی از پیام تسلیت خود نوشت: «فقدان عزیزی چون برادر، ضایعه‌ای تلخ و دردناک است که تنها با تسلیم در برابر مشیت الهی و یاد نیکی‌های او قابل تسکین خواهد بود.» عبدالکریم سروش نیز در پیام تسلیت خود آورده است: «مصطفای عزیز و عزادار، به سامان و به سلامت باشی. دانستم که در سوگ برادر مرحوم و محبوب نشسته‌ای. آمرزش روان او و آرامش جان‌تور از خدای علیم و حیلیم خواستارم.» اوهمچنین نوشت: «برادر آسمانی شد اما یدان که برادران تو بر خاک بسیارند و تو را چون گوهری پاک عزیز می‌دارند و بر دلیری و آزادگی و استبدادستیزی‌ات هزاران آفرین و نثار می‌کنند. دوام عزت و مجاهدت و شجاعت‌تو را به جان خواستارند. تاج افتخار بر تارک تو باد که عاشق پاک‌باخته‌عدالتی.»



حمله به بهانه پیام تسلیت

صدور پیام تسلیت به‌مناسبت درگذشت برادر سیدمصطفی تاج‌زاده، بهانه‌ای شد تا رنجانیوز به او حمله کند. در متنی که رنجانیوز در کانال تلگرامی‌اش منتشر کرده، آمده است: «بزرگی را تصمیمات بزرگ می‌سازد: خط امام(ره)، نباید از بیست امام(ره) ضربه بخورد. اگر بنا به پیام تسلیت هم بود، در خفا داد می‌شد. رسانه‌ای کردن چنین اقداماتی با هر حجت و بهانه‌ی در نهایت تقویت بدخواهان خط امام(ره) است.» در بخش دیگری از پیام نوشته شده: «به خوبی قابل درک است که سیدحسین و بیست مرحوم سیداحمد آقا یا امثال تاج‌زاده‌ها و کروب‌ی‌ها و... روابط قدیمی و سلام‌علیک‌های سنتی داشته است اما جل‌وگیری از آلوده شدن مواضع سیاسی و مرزبندی‌های شفاف با معاندین نظام و رهبری -به‌ویژه همین تاج‌زاده و کروب‌ی- در چنین شرایطی که جمهوری اسلامی هم از خودی می‌خورد و هم از دشمن، یک انتظار به‌حق از سید حسن خمینی است.»



مستقل عمل نمی‌کنیم

محمدصادق جوادی‌حصار، سخنگوی حزب اعتماد ملی در گفت‌وگو با ایسنا درباره نحوه حضور حزب اعتماد ملی در انتخابات هفتمین دوره‌ی شوراهای اسلامی شهر و روستا گفت: «به‌صورت کلی فعلاً بنایی بر اینکه مستقل از جبهه‌اصلاحات عمل کنیم، نداریم. بنا بر شرایط و مقتضیات، به نیروهای داوطلب خود توصیه می‌کنیم که ثبت‌نام در انتخابات شوراها را انجام دهند؛ در صورت فراهم شدن شرایط رقابتی، این افراد برای حضور در لیست‌های انتخاباتی مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در شهرستان‌ها نیز در صورتی که جبهه اصلاحات لیستی ارائه نکند، داوطلبان می‌توانند به صورت فردی و با حمایت جبهه وارد رقابت شوند.» او درباره وضعیت تعامل احزاب اصلاح‌طلب گفت: «هنوز به مرحله تعیین سهمیه احزاب نرسیده‌ایم؛ چراکه باید ابتدا نحوه چگونگی ورود جبهه اصلاحات به انتخابات مشخص شود، سپس در این زمینه تصمیم‌گیری خواهیم کرد.»